

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

سیاسی

برگردان: بابک احمدی

۱۷ مارچ ۲۰۲۵

۸ تر اعضای حزب چپ المان علیه میلیتاریسم: تسلیح المان دنیا را ناامن تر می کند



ثروتمندان سلاح صادر می کنند، فقرا جنازه تحویل می گیرند

با توجه به کمبود نیروهای ذخیره در اوکراین، ناتو اکنون باید تصمیم بگیرد: یا به طور علنی در این جنگ مداخله کند، که به معنای آغاز رسمی جنگ جهانی سوم خواهد بود، یا برای پایان سیاسی این جنگ تلاش کند. به نظر می رسد که دولت ایالات متحده گزینه دوم را انتخاب کرده است - نه از روی تمایل به صلح، بلکه برای کسب بیشترین منفعت ممکن در این شرایط. آنچه ما امروز شاهد آن هستیم، نه یک مبارزه برای ارزشها، بلکه رقابت میان دولت های سرمایه داری برای بازتقسیم قدرت در جهان است.

روزنامه المانی "یونگه ولت (jW)" نوشت: با توجه به برنامه های عظیم تسلیحاتی که احتمالاً دولت آینده المان دنبال خواهد کرد، بیانیه ای ضد نظامی گری از سوی اعضای حزب چپ (Die Linke) را برای ثبت [در تاریخ] منتشر می کند. در جمع نویسندگان این متن، افرادی از اعضای حزب چپ المان که عضو مجلس فدرال، پارلمان اروپا، بخش کار و اتحادیه، عضو هیأت اجرائی حزب و بخش جوانان آن هستند حضور دارند.

با جنگ غیرقانونی ارتش روسیه علیه اوکراین، احساس ناامنی در میان مردم اینجا گسترش یافت؛ احساسی که از آن زمان تاکنون برای تسریع نظامی‌سازی جامعه مورد سوءاستفاده قرار گرفته است. روایت‌های ساختگی و حقایق نیمه‌تمام به کار گرفته می‌شوند تا مواضع قبلی و درس‌های آموخته‌شده از دو جنگ جهانی را در حافظه جمعی تضعیف کنند. تصاویری از جنجال در کاخ سفید، شعار «ارتش فدرال کم‌بودجه» و روایت‌های ترسناک از ارتشی روسی که به زودی به سمت برلین حرکت خواهد کرد، همچنان به تشدید نگرانی‌های عمومی دامن می‌زنند.

فریدریش مرتس و هم‌پیمانانش با مهارت از این احساس ناامنی بهره‌برداری می‌کنند تا پروژه تسلیحاتی قرن را به پیش ببرند. المان و اتحادیه اروپا در جست و جوی راه‌هایی برای حفظ و گسترش برتری ژئوپلیتیکی خود هستند. در عین حال، نارضایتی عمومی از روند سریع نظامی‌سازی جامعه رو به افزایش است. اکنون زمان آن فرا رسیده است که با استدلال‌ها و تحلیل‌های دقیق، به‌طور فعال در این بحث اجتماعی مداخله کنیم. با ارائه این هشت تر، ما نه تنها قصد داریم به درک بهتر این روند کمک کنیم، بلکه همچنین خواهان آن هستیم که نیروهای چپ سیاسی قاطعانه در برابر این مسیر ایستادگی کنند.

۱. جنگ اوکراین و حراج منابع

بحران در دفتر بیضی (کاخ سفید) نقطه آغاز این تحولات نیست، بلکه اوج تغییرات ژئوپلیتیکی گسترده‌ای است که از زمان آغاز جنگ اوکراین شفاف‌تر و سریع‌تر شده‌اند. ستراتیژی ناتو برای طولانی کردن این جنگ از طریق سرمایه‌گذاری‌های کلان، با هدف افزایش هزینه‌های روسیه به‌عنوان یک رقیب امپریالیستی، برای ایالات متحده به پایان خود نزدیک می‌شود. دولت ترمپ دیگر فایده‌ای در ادامه این سرمایه‌گذاری نمی‌بیند، چراکه هرچه بیشتر مشخص می‌شود که اوکراین از لحاظ نظامی توانایی پیروزی در این جنگ را ندارد.

با توجه به کمبود نیروهای ذخیره در اوکراین، ناتو اکنون باید تصمیم بگیرد: یا به‌طور علنی در این جنگ مداخله کند، که به‌معنای آغاز رسمی جنگ جهانی سوم خواهد بود، یا برای پایان سیاسی این جنگ تلاش کند. به نظر می‌رسد که دولت ایالات متحده گزینه دوم را انتخاب کرده است – نه از روی تمایل به صلح، بلکه برای کسب بیشترین منفعت ممکن در این شرایط.

در ازای تسلیحاتی که تاکنون به اوکراین ارسال شده است، امریکا قصد دارد با انعقاد توافقنامه‌ای بر سر منابع طبیعی، دسترسی خود به ذخایر ارزشمند اوکراین را تضمین کند. با این حال، انگیزه اصلی تغییر سیاست امریکا، چرخش تمرکز به سوی چین، رقیب اصلی این کشور در قرن بیست‌ویکم است. در همین حال، تصور این که «اروپایی‌های صادق» خلاف ترمپ صرفاً به دلایل بشردوستانه به اوکراین کمک می‌کنند، اشتباه است. کمک‌های مالی اتحادیه اروپا به اوکراین – خلاف کمک‌های امریکا – عمدتاً به‌صورت وام هستند.

اروپا نیز اهداف ژئوپلیتیکی بلندمدت و منافع اقتصادی کوتاه‌مدتی را دنبال می‌کند: در حالی که امانوئل مکرون به‌طور فعال در حال مذاکره برای دسترسی به منابع طبیعی اوکراین است، رودریش کیزهوتر *Roderich Kiesewetter*، سیاستمدار دفاعی حزب دموکرات مسیحی (CDU)، به‌صراحت اعلام می‌کند که اروپا به ذخایر لیتیوم منطقه دونتسک «نیاز دارد». این در حالی است که قدرت‌های اروپایی تاکنون حاضر نشده‌اند بدهی‌های اوکراین را ببخشند.

۲. شکست ستراتیژی المان و اروپا

اکنون نتیجه عدم تلاش جدی دولت فدرال المان و کشورهای اروپایی برای دستیابی به یک آتش‌بس در سه سال گذشته آشکار شده است. آن‌ها مدعی بودند که می‌توانند یک پیروزی نظامی را سازماندهی کنند – ادعایی که از همان ابتداء

غیر واقع‌بینانه بود. اکنون ترمپ ابتکار عمل را به شیوه خود در دست گرفته و مستقیماً با روسیه مذاکره می‌کند، آن‌هم در مرحله اول بدون حضور اوکراین بر سر میز مذاکره.

اما به‌جای درس گرفتن از این شکست، بخش‌هایی از نخبگان سیاسی آلمان و اروپا همچنان به ستراتیژی ناکام خود پایبندند. این ستراتیژی با ادعای این که روسیه ممکن است بزودی به قلمرو ناتو حمله کند، همراه شده است. استدلال آن‌ها متناقض به نظر می‌رسد: از یک سو، گفته می‌شود که روسیه از نظر نظامی قادر به شکست اوکراین نیست (اگر ما «کمک کنیم»)، اما از سوی دیگر، ادعا می‌شود که اگر اکنون با بودجه ویژه تسلیحاتی آلمان را بخوبی تجهیز نکنیم، روسیه ممکن است بزودی در ساحل رود راین ظاهر شود. هر دوی این ادعاها نمی‌توانند هم‌زمان درست باشند.

علاوه بر این، حتی بدون در نظر گرفتن ایالات متحده، میزان هزینه‌های نظامی و ظرفیت‌های تسلیحاتی اتحادیه اروپا در حال حاضر به‌طور قابل‌توجهی از روسیه فراتر می‌رود. در واقع، دامن زدن به ترس از حمله روسیه به قلمرو ناتو، در درجه اول برای توجیه بسیج منابع عظیم جهت افزایش تسلیحات صورت می‌گیرد.

۳. اسطوره سیاست خارجی مبتنی بر ارزش‌ها

درگیری‌های ژئوپلیتیک کنونی هرگز درباره تقابل «کشورهای اقتدارگرا در برابر آزادی و دموکراسی» نیست. مانترای سیاست خارجی مبتنی بر ارزش‌ها که آن‌ها لانا بائربوک و هم‌فکرانش [حزب سبزها] تبلیغ می‌کنند، چیزی جز یک توهم نیست.

در واقع، این کشورهای اروپایی – در رأس آن‌ها آلمان – بودند که اقدامات غیرقانونی اسرائیل در غزه، لبنان و سوریه را از نظر دیپلماتیک تأیید کردند، در حالی که هم‌زمان به ارسال تسلیحات برای دولت اقتدارگرای نتانیا‌هو ادامه دادند. آنچه ما امروز شاهد آن هستیم، نه یک مبارزه برای ارزش‌ها، بلکه رقابت میان دولت‌های سرمایه‌داری برای بازتقسیم قدرت در جهان است. این رقابت نیز هرچه بیشتر شدت می‌گیرد – آن‌هم به بهای زندگی فقراء و طبقه کارگر در سراسر جهان.

تسلیح برای آزادی؟ دقیقاً به عکس: هرچه نظامی‌گری بیشتر گسترش یابد، آزادی‌ها و دستاوردهای دموکراتیک بیشتر تحت فشار قرار می‌گیرند.

۴. نقش ژئوپلیتیک اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا در این درگیری بی‌طرف نیست. اورزولا فون در لاین، رئیس کمیسیون اتحادیه اروپا، در سال ۲۰۲۱ تصریح کرد که جهان وارد «دورانی جدید از رقابت فزاینده» شده است و ما در «عصر رقابت‌های منطقه‌ای و قدرت‌های بزرگی که روابط خود را از نو تنظیم می‌کنند» به سر می‌بریم.

قدرت‌های پیشرو در اتحادیه اروپا تنها به دنبال تثبیت مناطق نفوذ خود در اروپای شرقی در برابر روسیه نیستند. آن‌ها همچنین تلاش می‌کنند در رقابت جهانی با ایالات متحده، چین و سایر قدرت‌های نوظهور جایگاه خود را حفظ کنند – رقابتی بر سر مسیرهای تجاری، منابع طبیعی و بازارها. اما این بازتنظیم روابط ژئوپلیتیک جدید پر از تناقضات است. کمترین نقطه اشتراک میان اعضای اتحادیه اروپا در حال حاضر، افزایش نظامی‌گری در سطح اروپا است. با بسته شدن تسلیحاتی ۸۰۰ میلیارد یورویی که اخیراً اعلام شده، قرار است اتحادیه اروپا از نظر قدرت سیاسی و نظامی موقعیت خود را تقویت کند. گام‌های بعدی اتحادیه اروپا در سیاست ژئوپلیتیک در ماه‌های آینده مشخص خواهد شد – و این تا حد زیادی به میزان یا عدم توجه ترمپ به منافع متحدان اروپایی خود بستگی دارد.

در هر صورت، رقابت فزاینده برای بازتقسیم جهان – که اتحادیه اروپا نیز در آن نقش پررنگی دارد – نویدبخش چیزی جز فقر و سختی بیشتر برای طبقات فرودست و کارگران نخواهد بود. جنگ‌های نیابتی جدید در جنوب جهانی و عملیات نظامی برون‌مرزی تحت پرچم اتحادیه اروپا، سناریوی است که به نظر می‌رسد از پیش طراحی شده باشد.

۵. فریدریش مرتس – صدراعظم راین‌متال و شرکاء

فریدریش مرتس می‌خواهد تسلیحات بیشتری تولید کند، «به هر قیمتی که باشد». برنامه‌های او شامل اصلاح قانون اساسی برای امکان‌پذیر ساختن یک مسابقه تسلیحاتی نامحدود بر پایه وام است. اما این تصمیم، واکنشی ناگهانی به بحران در کاخ سفید نیست. بسیج صدها میلیارد یورو برای افزایش توان نظامی، پیش‌تر توسط سیاستمداران برجسته حزب سوسیال دموکرات (SPD)، سیزها، دموکرات مسیحی‌ها (CDU) و حتی حزب آلترناتیو برای المان (AfD) کمابیش علناً مطرح شده بود. تصاویر منتشر شده از واشنگتن و نگرانی ناشی از آن در میان مردم، اکنون بهانه‌ای برای پیش بردن این برنامه با وجود مخالفت‌ها شده است. این سیاست، گامی دیگر در راستای آماده‌سازی المان برای جنگ است.

با این حال، ادعای کمبود بودجه ارتش المان کاملاً نادرست است: این کشور در حال حاضر در رتبه چهارم هزینه‌های نظامی جهان قرار دارد. میلیاردها یوروی که اکنون صرف تسلیحات می‌شود، نه المان را امن‌تر می‌کند و نه جهان را، بلکه خطر جنگ را افزایش می‌دهد.

مسابقه تسلیحاتی جهانی همیشه از یک منطبق ثابت پیروی می‌کند: یک کشور که مسلح می‌شود، کشور دیگری را وادار به واکنش می‌کند. اگر این منطق بازدارندگی تا انتهای خود دنبال شود، سرانجام به تسلیحات هسته‌ای برای المان و اروپا خواهد رسید. در بدترین حالت، این مارپیچ تسلیحاتی به یک جنگ بزرگ منتهی خواهد شد، جنگی که بازندگان زیادی و برندگان اندکی خواهد داشت.

تجربه تاریخی نشان داده است که چنین روندهای خطرناکی تنها از طریق معاهدات متقابل خلع سلاح مهار شده‌اند. اما این اتفاق به‌طور خودکار رخ نمی‌دهد: به‌جای ادامه این مسیر اشتباه، باید از تجربه دو جنگ جهانی درس گرفت و با تمام توان در برابر این روند ایستاد – چیزی که نیازمند یک جنبش بین‌المللی ضدجنگ و فشار گسترده اجتماعی است.

۶. حزب آلترناتیو برای المان (AfD) و نظامی‌سازی جامعه

برنامه گسترده تسلیحاتی دقیقاً به نفع حزب آلترناتیو برای المان AfD تمام می‌شود. خلاف برخی ادعاها، این حزب خواستار افزایش گسترده توان نظامی المان است، در حالی که چپ‌ها بر کاهش تسلیحات تأکید دارند. نظامی‌گری روزافزون در جامعه – از حمایت مالی راین‌متال از باشگاه فوتبال بروسیا دورتموند (BVB) گرفته تا احتمال بازگرداندن خدمت سربازی اجباری – نیروهای مترقی را تضعیف کرده و تفکرات اقتدارگرایانه را تقویت می‌کند. استاد دانشگاه وابسته به ارتش المان، کارلو ماسالا، خواهان یک «نقطه عطف در تمام ابعاد زندگی» شده است، که چیزی جز عادی‌سازی تدریجی اصل ضددموکراتیک فرمان و اطاعت در ارتش نیست. اما تاریخ به ما نشان داده است: نظامی‌گری دیر یا زود با رشد ملی‌گرایی همراه شده و همواره زمینه‌ساز قدرت‌گیری راست افراطی بوده است.

۷. نظامی‌سازی، تسریع‌کننده تغییرات اقلیمی

افزایش تسلیحات نه تنها خطر جنگ، مرگ، ویرانی و رنج را افزایش می‌دهد، بلکه به تغییرات اقلیمی نیز سرعت می‌بخشد. این که حزب سبزها با چنین روندی همراهی می‌کند، مایه شرمساری است.

بخش نظامی المان، حتی در زمان صلح، سالانه حداقل ۴.۵ میلیون تن دی‌اکسید کربن تولید می‌کند – معادل آلایندگی حدود یک میلیون خودرو در سال. در عین حال، برنامه‌های تسلیحاتی باعث هدر رفتن منابع ارزشمند اجتماعی در

جهت تولید اسلحه و تجهیزات جنگی می‌شود، به جای آن که در راستای یک تحول اجتماعی-بوم‌محور سرمایه‌گذاری گردد.

مثال اخیر در این زمینه: در شهر گورلیتز *Görlitz*، یک کارخانه تولید واگن‌های تراموا به کارخانه تولید تانک تبدیل شد. هرچه بودجه بیشتری به سمت صنعت نظامی سرازیر شود، چنین مواردی بیشتر تکرار خواهد شد.

۸. فشار از پائین: علیه تسلیحاتی شدن و کاهش خدمات اجتماعی

شکاف بین فقر و ثروت هر روز بیشتر می‌شود و زیرساخت‌های اجتماعی تحت فشار کاهش بودجه قرار دارند. با تمرکز روزافزون ثروت در دستان تعداد کمی از افراد، همزمان «تشنگی» سرمایه برای یافتن بازارهای جدید و فرصت‌های سودآور افزایش می‌یابد، که این امر خطر درگیری‌های نظامی را نیز بیشتر می‌کند.

اکنون زمان آن است که چپ‌ها همراه با جنبش‌های صلح، اعتراضات را به خیابان بیاورند – با استدلال‌های روشن علیه سیاست‌های تسلیحاتی، تا با ایجاد آگاهی، نگرانی‌های عمومی را کاهش دهند. تحت رهبری فریدریش مرتس نه خبری از لغو کلی محدودیت‌های بدهی خواهد بود و نه از یک سیستم مالیاتی عادلانه که ثروتمندان را ملزم به پرداخت سهم منصفانه‌شان کند.

در عوض، یک «تعرفه نامحدود» برای تسلیحات در نظر گرفته شده است، که تعهدات مالی سنگینی برای آینده به دنبال خواهد داشت. برای جبران این هزینه‌ها، کاهش بیشتر در کمک‌های اجتماعی، مستمری‌ها و سایر مزایای عمومی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود – آن هم در شرایطی که امنیت اجتماعی از پیش تحت فشار است. حتی پیشنهادهای مطرح شده است که برای جبران هزینه‌های نظامی، یکی از تعطیلات رسمی کارگران حذف شود. بحران اجتماعی و روند فزاینده نظامی‌سازی دو روی یک سکه هستند.

تاریخ نشان می‌دهد که جنگ‌ها و افزایش تسلیحات نه از بالا، بلکه از سوی مردمی که بار اقتصادی آن را به دوش می‌کشند و نخستین قربانیان جنگ‌ها هستند، متوقف می‌شوند. جنگ و مسابقه تسلیحاتی هرگز به نفع طبقات فرودست و کارگران نبوده است. اعتراضات اخیر علیه این برنامه‌های نظامی و تظاهرات صلح در ایام عید پاک فرصتی مهم برای نشان دادن مقاومت و به خیابان کشاندن آن است.

این متن توسط افرادی از حزب چپ (*Die Linke*) نوشته شده است. اسامی افرادی که یونگه ولت از آنان به عنوان نویسندگان متن بیانیه نام برده است، عبارتند از:

Özlem Alev Demirel • (عضو پارلمان اروپا)

Hannes Draeger • (عضو هیأت اجرائی حزب چپ در دوسلدورف)

Johanna Brauer • (از بخش جوانان چپ، *Linksjugend Solid*)

Ulrike Eifler • (عضو بخش کار و اتحادیه، هیأت اجرائی حزب چپ)

Nina Eumann • (هیأت اجرائی حزب چپ)

Dr. Fabian Fahl • (عضو پارلمان فدرال)

Nicole Gohlke • (عضو پارلمان فدرال)

Maxi Kisters • (هیأت اجرائی حزب چپ، *SDS*)

Jakob Migenda • (رئیس بخش حزب چپ در هسن)

Raji • (هیأت اجرائی حزب چپ)

Bernd Riexinger • (رئیس پیشین حزب چپ)

Ulrich Thoden • (عضو پارلمان فدرال)

این افراد با همکاری یک دیگر این متن را در واکنش به برنامه‌های نظامی و تسلیحاتی دولت و به منظور گسترش آگاهی و مقاومت در برابر این برنامه‌ها منتشر کرده‌اند.

یکشنبه ۲۶ اسفند-حوت- ۱۴۰۳